

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Iran's M.

آئینه ایران

حزب کار ایران- توفان

۲۱ دسمبر ۲۰۱۱

## دلایل اشغال سفارت انگلستان و نقش خانواده لاریجانی

علی لاریجانی به عنوان رئیس قوه مقننه که خودش باید به قوانین به مصداق "احترام امامزاده دست متولی است"، احترام بگذارد، خودش به نقض قوانین جهانی دست زده و تازه به این کار نکوهیده خویش نیز با سینه سپر کرده مباحثات می کند. در صحن مجلس که یک عده آن را با میدان سیرک عوضی گرفته اند، شعارهای مرگ بر انگلیس به راه می اندازند تا به خیال خودشان کمر امپریالیسم فرتوت انگلستان را بشکنند. غافل از این که این اعمال زشت باعث تقویت امپریالیست انگلستان می باشد. به نظر می رسد که این صحنه سازیها مصرف داخلی دارد.

در شرایطی که عقل سالم حکم می کند، گسترده ترین جبهه ضد جنگ و تجاوز را در جهان به وجود آورد و به بسیج نیروها و انساندوستان جهان پرداخت، تا نقض تعهدات جهانی از جانب قدرتهای بزرگ را به زیر پرسش برده و مردم در سراسر جهان به اعتراض گسترده دست بزنند، رژیم جمهوری اسلامی، سیاست انزوا طلبی را در پیش می گیرد، که بیشتر نشانه آن است، که بیشتر غلبه بر تضادهای درونی هیأت حاکمه را در نظر دارد، تا مصالح ملی ایران را. انتقاد دستگاه دولتی ایران که زیر نفوذ جناح احمدی نژاد است، از این اقدامات و اظهار تأسف از وضعیت پیش آمده، بیشتر این ظن را تقویت می کند که رژیم جمهوری اسلامی به چنین تبلیغاتی برای مصرف داخلی و کاهش نفوذ جناح احمدی نژاد نیاز داشته است.

برای شناخت این مسأله باید کمی به عقب برگشت. یکی از سایتهای ایرانی در سال ۱۳۸۷ در مورد خانواده هزار فامیل در ایران مطالبی منتشر ساخت که از جمله در آن به خانواده لاریجانی اشاره می کند:

"پس از شهادت مرتضی مطهری، دختر ایشان با پسر آیت الله میرزاهاشم آملی ازدواج کرد. داماد استاد اما همان کسی است که به نام دکتر علی لاریجانی یک دهه رئیس سازمان صدا و سیما و قبل از آن وزیر ارشاد اسلامی و پس از آن دبیر شورای عالی امنیت ملی شد. علی لاریجانی عضو یکی از خانواده های مذهبی و سیاسی جمهوری اسلامی است. محمدجواد لاریجانی اولین فرزند این خانواده است که به قدرت رسید: معاون وزیر امور خارجه شد و نماینده مجلس شد. ستاره اقبال محمد جواد لاریجانی اما با یک حرکت حساب نشده در دوران انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۳۷۶ فرو خفت و او اکنون به معاونت حقوق بشر قوه قضائیه کفایت کرده است. صادق

لاریجانی که "شیخ" خانواده لاریجانی‌هاست نیز با عضویت در شورای نگهبان در زمره قدرتمندترین فرزندان این خاندان به حساب می‌آید، اما آن که از همه فرزندان مرحوم میرزا هاشم خوش‌اقبال‌تر است علی لاریجانی همان داماد استاد مطهری است که اکنون به نمایندگی از مردم قم به پارلمان راه یافته و قدم در راه ریاست مجلس و **شاید ریاست جمهوری** می‌گذارد". (تأکید از توفان).

آقای روح‌الله رشیدی در سایت «عدالتخواهی» در سال ۱۳۹۰ در رابطه با این خانواده مطالب زیرین را نوشت که نشان می‌داد منظور از عبارت "ستاره اقبال محمد جواد لاریجانی اما با يك حرکت حساب نشده در دوران انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۳۷۶ فرو خفت" چیست:

"میان‌های سال ۷۵، خبری در فضای رسانه‌ای کشور منتشر شد که به زودی به یکی از جنجالی‌ترین موضوعات کشور تبدیل شد. در شرایطی که کمتر از یک سال به انتخابات مهم ریاست جمهوری [دوم خرداد ۷۶] باقی بود، دکتر محمد جواد لاریجانی خبرساز شد. او که در آن زمان نماینده و رئیس مرکز پژوهش‌های مجلس پنجم بود، با نیک براون [از مدیران کل وزارت امور خارجه انگلیس] در لندن دیدار کرده و در مورد مسائل داخلی کشور، از جمله موضوع انتخابات ریاست جمهوری با او گفت و گو کرد. آن روزها، حجت‌الاسلام ناطق‌نوری (رئیس وقت مجلس) به عنوان کاندیدای جناح راست مطرح بود. جناح چپ نیز به همراه راست‌های سابق (کارگزاران سازندگی) از حجت‌الاسلام خاتمی حمایت می‌کردند. لاریجانی به عنوان تنورسین سیاسی جناح راست، در دیدار با نیک براون، سعی کرده بود تا نگاه‌های منفی غرب به کاندیدای جناح راست را اصلاح کند. **او به براون گفته بود که پیروزی جناح راست در انتخابات می‌تواند منافع انگلیس و غرب را تأمین کند.** از سوی دیگر، کوشیده بود تا چهره‌ای رادیکال از جناح چپ و کاندیدایش ارائه کند. او حتی از موضوع فتوای قتل سلمان رشدی هم مایه گذاشته و جناح چپ را پیگیری کننده اصلی اجرای فتوای قتل سلمان رشدی معرفی کرده بود. این دیدگاه او مبتنی بر برخی اقدامات عملی چهره‌های منتسب به جناح چپ در مورد قتل رشدی بود. در آن زمان، بنیاد ۱۵ خرداد به سرپرستی آیت‌الله حسن صانعی (منتسب به جریان چپ) جایزه‌ای نقدی را برای کسی که موفق به قتل رشدی شود، اختصاص داده بود.

خلاصه، لاریجانی حسابی تلاش کرده بود تا کاندیدای جناح متبوع خود را آرامش‌طلب و اهل تعامل با غرب معرفی کرده و رقیب را برعکس...

محتوای این دیدار محرمانه، چندی بعد به بیرون درز کرد. روزنامه سلام، با انتشار بخش‌هایی از این مذاکره، مقدمات یک جنجال سیاسی را فراهم آورد. اینجا بود که هجمه وسیعی علیه لاریجانی به راه افتاد که راهبران این جریان تهاجمی، نیروهای منتسب به جناح چپ بودند. نیروهای از مجمع روحانیون مبارز و سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی، با مصاحبه‌های پی در پی، چنان فضائی درست کردند که لاریجانی به چهره‌ای منفی در افکار عمومی تبدیل شد. در راهپیمائی ۱۳ آبان [عقرب] همان سال، بیانیه‌هایی از سوی دفتر تحکیم وحدت در محکومیت اقدام لاریجانی منتشر شد که نشان از جدی بودن اعتراضات داشت. مهمترین ایرادی که جناح چپ بر لاریجانی وارد می‌کرد، بیان مسائل داخلی کشور در حضور بیگانگان بود. چهره‌هایی همچون بهزاد نبوی (از سازمان مجاهدین انقلاب) به شدت به لاریجانی تاختند که چرا با انگلیسی‌ها جلسه گذاشته و اسرار کشور را با آنها در میان نهاده است. موضع‌گیری تند و همه جانبه جناح چپ نسبت به این دیدار، آنچنان وضعیتی پیش آورد که منجر به حذف عملی لاریجانی از عرصه سیاست شد. او از مجمع تشخیص مصلحت نظام کنار گذاشته شد و تا چندی پیش، از ممنوع تصویرهای تلویزیون بود!

بهزاد نبوی در گفت و گوئی که با ماهنامه صبح به مدیریت مهدی نصیری انجام داد [شماره ۷۲، ۲۶ مرداد ۱۳۷۶]، به دلایل این موضع‌گیری تند نسبت به لاریجانی پرداخت که امروز و پس از ۱۳ سال، بازخوانی بخش‌هایی از آن، جالب توجه می‌نماید. او می‌گوید:

«مذاکرات لندن با دو رویکرد مورد انتقاد واقع شده است. یکی به لحاظ دیدگاه‌های آقای اردشیر لاریجانی که همسو با انقلاب و خط امام نبود چون وقتی ایشان در ماجرای سلمان رشدی، موضوعی همدلانه با دولت انگلیس اتخاذ می‌کند، یا در مورد اشغال لانه جاسوسی موضعی مخالف اتخاذ می‌کند، همه می‌گویند این مواضع، مغایر با دیدگاه‌های مسلط بر انقلاب و نظام است... رویکرد دوم... این است که ما نمی‌توانیم این مذاکرات را جز نوعی موضعه سیاسی با یک دولت خارجی تلقی کنیم آن هم نه یک دولت خارجه معمولی مثلاً بورکینافاسو یا یک دولت دوست مثل سوریه... بلکه یک دولت خارجی استعمارگر که سابقه نفوذ و سلطه ۲۰۰ ساله در کشور ما داشته و هنوز هم علایقی در کشور ما دارد. هنوز سازمان فراماسونری که یک سازمان دست‌نشانده انگلیس است، در ایران ریشه‌کن نشده است. در ضمن این دولت، دولتی است که نزدیک‌ترین متحد امریکا خصوصاً پس از فروپاشی شوروی و آغاز نظم نوین جهانی به حساب می‌آید. الان در بلوک‌بندی‌های قدرت در جهان، امریکا و انگلیس در یک طرف قرار دارند و بقیه اروپا، ژاپن، چین و روسیه، بدون آن که در یک بلوک باشند، در مقابل این بلوک قدرت ایستاده‌اند... بنابراین اگر این مواضع و تبنانی با کشوری با این مشخصات صورت گرفت، برای ما قابل توجه نیست... برخورد ما با آقای لاریجانی یک چنین برخوردی است. یعنی، ایشان را متهم می‌کنیم به این که در یک موضعه سیاسی با یک چنین دولتی شرکت کرده است.» منبع: سایت پارسینه. (تأکید از توفان).

در همان زمان رقیبان آقای لاریجانی از "لاری گیت" سخن می‌راندند و بر ملاقات محرمانه با نیک براون (مدیر کل وقت وزارت خارجه انگلیس) انگشت می‌گذارند.

حال آن گفت و گو بهزاد نبوی مخالف آقای لاریجانی که در زندان نشسته است با ماهنامه صبح، معنی خاصی پیدا می‌کند، که در جهت افشاء تمام اقدامات کنونی خانواده لاریجانی است. در ایران این خانواده درست یا نادرست به انگلیسی (انگلو فیل) بودن در میان مردم معروفیت دارد. ظاهراً به اساس شایعات آنها باید از همان زمانی که در نجف زندگی می‌کردند روابط حسنه با انگلیسها داشته اند و اکنون هم برای کسب مقام ریاست جمهوری در ایران فعالیت می‌کنند و برای افزایش بخت خویش در این عرصه و جلب رضایت امپریالیستها می‌خواهند به انگلستان بفرمانند که "پیروزی جناح راست در انتخابات می‌تواند منافع انگلیس و غرب را تأمین کند".

محمد جواد لاریجانی که شایع است، می‌خواهد نقش هنری کیسینجر را بازی کند، در زمینه سیاستهای ستراتیژیک رژیم فعال است و کارشناسان معتقدند که وی یک برنامه ریز ستراتیژیک و محافظه کار است که با تدوین سیاست "تفکیک مقبولیت از مشروعیت"، جناح راست یعنی محافظه کاران مذهبی را به سمت "اقتدارگرایی" و استبداد عریان برای حفظ قدرت سوق داده است.

ولی علی لاریجانی که فعلاً رئیس مجلس است، دارای مشاغل زیر بوده است: مدیر کل برون مرزی و واحد مرکزی خبر صدا و سیما، معاونت وزارتخانه های کار و امور اجتماعی، پست و تلگراف تلفن و سپاه و مدتی نیز جانشین ستاد فرماندهی کل سپاه بود. وی همچنین دبیر شورایی عالی امنیت ملی بود که مسؤولیت مذاکرات هسته‌ئی ایران را بر عهده داشت و مدتی نیز نمایندگی و ریاست مجلس هشتم شورای اسلامی را به عهده داشت و دارد، وی عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام است، و عضویت در شورای عالی انقلاب فرهنگی را نیز دارا بوده است. در زمان

وی ۵۲۵۰ میلیارد ریال دزدی از تنها ۵ حساب بانکی از مجموع ۲۰۰ حساب بانکی صدا و سیما جمهوری اسلامی روشد که وی آنها را "کشکی" نامید و به کسی در این زمینه پاسخگو نبود.

لاریجانی این روباه مکار در زمینه اقتصادی در "شهمیرزاد" بوقلمون و شترمرغ پرورش می دهد، گاوآورداری کلان دارد، پرورش ماکیان در برنامه اش قرار دارد و مهمتر از همه پرورش روباه را در دستور کار خود گذارده است. گوشت و پوست روباه را به چین صادر می کند و در این زمینه یکه تاز است. وی در شهمیرزاد در نزدیکی سمنان به دور چشمه های آب طبیعی دیوار کشیده و اموال عمومی مردم را به مالکیت خصوصی در آورده و آب زیرزمینی و کم یاب را به خارج صادر می کند. پاسداران از اموال وی در شهمیرزاد پاسداری می نمایند. با توجه به این که هر وکیل مجلس ۶۰ میلیون تومان حقوق ماهیانه همراه با فوق العاده، خانه، ماشین دولتی داراست، می توانید عمق ثروت لاریجانی را پس از بازگشت از نجف محاسبه کنید و ببینید به چه نان و نوانی در ایران رسیده است.

پس از تقلب در انتخابات ریاست جمهوری، علی لاریجانی در دشمنی با احمدی نژاد، نخست از نخست وزیری موسوی دفاع کرد، ولی با دیدن جهت باد، فوراً در کنار احمدی نژاد قرار گرفت تا آنها از آسیاب ریخت. حال که درگیری میان بیت رهبری و دولت احمدی نژاد بالا گرفته است و نامزدی اسفندیار رحیم مشائی برای دوره بعدی ریاست جمهوری با مشکل روبروست، خانواده لاریجانی تصمیم دارند نقشه همیشگی خویش را در تسخیر مقام ریاست جمهوری به اجراء بگذارند. آنها علی لاریجانی را به عنوان نامزد مقام ریاست جمهوری به میدان می آورند. ولی این خانواده بدسابقه که بهزاد نبوی آنها را حتی در لفافه به "فراماسوئری" وصل می کند، سابقه آلوده ای در برخورد با استعمارگران انگلیسی داشته اند. آنها اسرار داخلی رژیم ایران را مانند یک نوکر بی اختیار، در اختیار ارباب قرار داده اند. نیک بروان چه کسی است که یک مقام برجسته جمهوری اسلامی لازم بداند به وی، دست به سینه با سری افکنده، گزارش روابط درونی هیأت حاکمه ایران را بدهد. این سوء سابقه در مورد مامشات با امپریالیست انگلستان، مانند لکه سیاهی بر پیشانی خانواده پر زاد و ولد لاریجانی چسبیده است. آنها می دانند که مخالفان لاریجانیها حتماً از این حربه نزدیکی آنها با استعمار فرتوت انگلیس، علیه آنها در شرایطی که آنها خود را نامزد مقام ریاست جمهوری کنند، استفاده خواهند کرد. به نظر می آید که تجاوز به سفارت انگلستان در این مرحله خطیر و تبلیغات گوشخراش در مورد یک نقض آشکار معاهده جهانی، به این خاطر صورت پذیرفته باشد، تا برگ برنده را از دست جناح احمدی نژاد در افشاء خانواده لاریجانی برویابد.

البته در میان بخشی از روحانیت که اموال دزدی خویش را به انگلستان منتقل کرده اند، تحریم بانک مرکزی ایران و بستن حسابهای ایرانی های بلند پایه و آقا زاده های ساکن انگلستان و جلوگیری از سفرشان به انگلستان، دلخوری فراوانی به بار آورده است، که نشان دادن زهر چشم به انگلیس را در خیانت به مصالح ایران و خدمت به جیب خودشان، نادرست ارزیابی نمی کنند. خامنه ای مودیان سکوت کرده است، شاید هم به قدری از باند احمدی نژاد می هراسد که تکیه بر لاریجانی را به صلاح خویش می بیند و این امر البته نشانه رضای وی است، و احمدی نژاد این عمل را به سبک خودش نادرست دانسته است. به نظر می آید اشغال سفارت انگلستان مصرف داخلی داشته و تسویه حساب با جناح احمدی نژاد است. در عرصه خارجی ولی خسارت فراوانی به ایران زده و دهان ایران را در اعتراض محقانه به تجاوز آمریکا به حریم هوایی ایران بسته است. خانواده لاریجانی عملاً برای منافع شخصی و به ضرر منافع ملی ایران به هر دو امپریالیست خدمت کرده اند.

حزب کارایران (توفان)  
آذرماه هزار و سیصد و نود  
[www.toufan.org](http://www.toufan.org)  
[toufan@toufan.org](mailto:toufan@toufan.org)